

نقش نشانه‌های لفظی در بخش‌بندی موضوعی سوره‌های قرآن کریم؛ مطالعه موردی سوره حجرات

محمد تیموری^۱، محمدرضا آرام^۲، سیدمحمد رضوی^۳

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۲/۱/۹ - تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۳/۲۱)

چکیده

سوره‌های قرآن به مثابه واحدی پیوسته، دارای ساختاری منسجم و منظم هستند و هریک از آنها، از موضوعات و مضامین متنوعی تشکیل شده‌اند که بر خلاف ظاهر پراکنده موضوعات، بی‌ربط نیستند بلکه به عنوان اجزاء ساختاری، برای تأمین هدف و موضوع محوری سوره، ضروری و متناسب بوده و خواننده را در مجموع، یک گام به درک کامل‌تر موضوع اصلی سوره نزدیک‌تر می‌کنند. یکی از گام‌های اساسی برای رسیدن به ساختار سوره، تقسیم آن به اجزاء و بخش‌های معنایی و موضوعی است. بر خلاف روشهای مفسران و قرآن پژوهانی که با استفاده از شواهد معنوی، سوره را به اجزاء و بخش‌هایی تقسیم کرده‌اند، پژوهش حاضر در پی آن است که با استفاده از شواهد و نشانه‌های لفظی به تقسیم‌بندی موضوعات و مضامین سوره‌ها بپردازد. در این راستا با مطالعه چند سوره، برخی شواهد و نشانه‌های لفظی شامل قسَم، خطابات خداوند به پیامبر اکرم ﷺ و سایرین و تکلم خداوند و غیره، احصاء شده و قواعدی استخراج گردیده و با استفاده از آنها سوره حجرات بخش‌بندی شده، سپس با استفاده از محتوای بخشهای قریب‌المضمون فصل‌بندی صورت گرفته و در نهایت با استفاده از محتوای فصول، موضوع محوری سوره استخراج شده است. با به‌کارگیری قواعد این روش، در اکثر موارد، تقسیم‌بندی موضوعی سوره بدون توجه به محتوای آیات امکان‌پذیر است.

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، انسجام و ساختار سوره، تقسیم‌بندی موضوعی سوره، حجرات، نشانه‌های لفظی، خطاب.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
teimoori@sr.u.ac.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
aram.mohammadreza@yahoo.com

۳. استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛
dsmrazavi@yahoo.com

۱- بیان مسأله

اکثر مفسران متقدم قرآن، در تفسیر خود، به کلمه، فراز و آیه توجه داشتند و ساختار کلی متن (مثلاً کل یک سوره) در نظر آنان مغفول بود و نهایتاً به روابط میان آیات متوالی می‌اندیشیدند. آنان با توجه به تعدد موضوعات در هر سوره (و گاه حتی در یک آیه)، اتصال و ارتباط آیات با یکدیگر را بسیار بعید دانسته و حتی برخی منکر ارتباط و مناسبات آیات بودند.

برخی پژوهشگران و مستشرقان بی‌توجه به اصول اولیه ساختار قرآن کریم، آنرا نامنظم و فاقد انسجام انگاشته‌اند و معتقدند که غالباً ارتباطی میان تعابیر و تسلسل حوادث در قرآن دیده نمی‌شود و تکرارها و تغییر خطاب‌ها را از معایب این کتاب مقدس برشمرده‌اند. در اوایل قرن بیستم شاهد پیدایش رویکردی خاص تحت عنوان «وحدت سوره» و «سوره به مثابه واحدی پیوسته» هستیم. مفسران و قرآن پژوهانی ظاهر شدند که با پی بردن به اهمیت شبهات عموم خاورشناسان مبنی بر گسستگی و عدم انسجام متن قرآن، سوره‌های قرآن را دارای ساختاری منسجم و منظم و هر کدام را یک کل هماهنگ و متناسب دانسته و با طرح این نظریه، در صدد رفع شبهات برآمده‌اند (توکل محمدی، پویازاده، ۹۶ ش شماره ۴، ص. ۳۰-۳۳). ایشان برای هر سوره یک مضمون اصلی در نظر گرفته، آنگاه تلاش می‌کنند انسجام سوره را پیرامون این محور اصلی توضیح دهند. این هم‌راستایی اجزای سوره با مقصود نهایی سوره را به «ساختار هندسی سوره‌های قرآن» نیز تعبیر می‌نمایند.

اما این پژوهش ضمن پذیرش انسجام ساختاری سوره‌ها، بدنبال پاسخ این سؤالات است که:

۱. آیا تنوع موضوعات و مضامین، تغییرات ضمائر، تعویض گوینده و تغییر مخاطب، از معایب قرآن کریم به شمار می‌روند، یا از عوامل مؤثر در ایجاد ساختار سوره می‌باشند؟

۲. آیا با استفاده از این تغییرات، می‌توان اجزاء ساختاری سوره را تعیین کرده، و به منظور استخراج هدف و موضوع محوری سوره مورد استفاده قرار داد؟

۲- مقدمه

سوره‌های قرآن کریم دارای ساختاری منسجم و منظم هستند و هریک از آنها، از موضوعات و مضامین متنوعی تشکیل شده‌اند که به عنوان اجزاء ساختاری، برای تأمین هدف و موضوع محوری سوره، ضروری و متناسب بوده و خواننده را در مجموع، یک گام به درک کامل‌تر موضوع اصلی سوره نزدیک‌تر می‌کنند. یکی از گامهای اساسی برای رسیدن به هدف و موضوع محوری سوره، تقسیم سوره به اجزاء و بخش‌های معنایی و موضوعی است. و بدین منظور برخی مفسران و قرآن‌پژوهان با توجه به شواهد معنایی و محتوایی، و برخی براساس شواهد لفظی، سوره را به اجزاء و بخش‌های معنایی و موضوعی تقسیم نموده‌اند و در این میان افرادی نیز از هر دو روش بهره برده‌اند؛ البته در موارد بسیاری، اجزاء و بخش‌ها و همچنین غرض استخراجی آنها با هم تفاوت‌هایی دارد که در جای خود قابل بررسی است.

۲-۱. پیشینه پژوهش

با طرح نظریه انسجام و وحدت سوره‌های قرآن در اوایل قرن بیستم، مفسران قرآن کریم با بهره‌مندی از این نظریه در صدد رفع شبهات مطرح شده در این زمینه برآمدند. نخستین کسی که بر نظریه انسجام و وحدت سوره‌های قرآن تأکید کرد، اشرف علی تهانوی (م ۱۹۴۳ م) مفسر مشهور هندی بود (آقایی، انسجام قرآن...، ۲۱۸).

در دوران معاصر تفاسیر و کتب زیادی با این نگاه به سوره‌ها به تفسیر آیات و کشف غرض اصلی سوره‌ها پرداخته‌اند؛ محمد عبده (۱۳۲۳ق / ۱۹۰۵م) همین نظریه را دنبال کرده و آیات را با توجه به محتوای آنها، به گروه‌هایی که تشکیل واحدهایی منطقی می‌دهند، تقسیم نموده است (ویلانت، رتراود؛ عباسی، مهرداد؛ تابستان ۱۳۸۳ ش، ص ۶).

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان و سید قطب در فی ظلال القرآن و امین احسن اصلاحی، سوره را با توجه به شواهد معنوی و بدون بیان معیاری خاص، به بخش‌هایی تحت عنوان فصل تقسیم نموده و غرض و هدف محوری سوره را بیان می‌دارد (طباطبائی، ۱۳۷۴ ش، قطب، ۱۳۹۳ ش، اصلاحی، ۱۹۹۹ م). سعید حوئی در الاساس فی التفسیر، سوره‌های طولانی (بقره، آل عمران، مائده، انعام، اعراف، انفال، توبه، یونس، نحل) را به چند قسم، هر قسم را به چند مقطع، هر مقطع را به چند مجموعه یا فقره، و هر فقره را به مجموعه‌ای از آیات تقسیم کرده است. ملاک این تقسیم‌بندی‌های حوئی، نشانه‌ها و شواهد لفظی و صوری است (حوئی، ۱۴۲۴ ق).

روش تفسیر ساختاری در خصوص تعداد زیادی از سوره‌ها به صورت مقالاتی نیز ارائه گردیده است؛ برخی با توجه به پیوستگی لفظی (ارتباط لفظی، اسلوبی و بلاغی) و محتوایی و با عنایت به سیاق آیات، سوره را به بخش‌هایی تقسیم می‌کنند (نساج، ۱۳۹۰ ش) و (آرام، محمدرضا؛ لایقی، فاطمه؛ ۱۳۹۵ ش). برخی به لحاظ آهنگ وازگان پیاپی آیات، به دو بخش تقسیم می‌کند (دهقانی فارسانی، ۱۳۸۷ ش). برخی سوره را با توجه به نظم خاص جنبه نحوی و ساختار جمله‌بندی سوره، و به قول مؤلف نوعی توازن، به دو بخش تقسیم می‌نمایند (ناظمیان، ۱۳۹۲ ش). برخی سوره را با توجه به هندسه معرفتی سوره، به سیاق تقسیم می‌کنند (دیالمه، ۱۳۹۲ ش) و برخی بر مبنای رکوعات قرآنی (زارع زردینی، ۱۳۹۵ ش).

پژوهشگران غربی نیز بحث انسجام و ترکیب متون مقدس را مطرح می‌کنند. اخیراً، پژوهش‌هایی توسط مستنصر میر، محمد عبدالحلیم، نیل رابینسون، ماتیاس تسانیزر و جدیدتر از همه، سلوی العوی عمدتاً با تمرکز بر نظم، انسجام و ساختار برخی سوره‌های بلند مدنی انجام یافته است که پیشرفت‌های روش شناختی قابل ملاحظه‌ای داشته‌اند (مکوند، محمود؛ شاکر، محمدکاظم، ۹).

۱. رابینسون در مقاله "دستان باز؛ قرائتی دوباره از سوره مائده"، به بخش‌بندی سوره و تعیین ارتباطات میان بخش‌ها پرداخته، لیکن پژوهش وی فاقد روش است (رابینسون، نیل؛ ترجمه شاکر، محمدکاظم).

۲. سلوی العوی، روشمند عمل نموده و سوره را به قطعاتی تحت عنوان «پاره‌گفت» تقسیم می‌کند. مبنای این تقسیم‌بندی، تغییر اساسی در موضوع هر قطعه نسبت به دیگری است. این تغییرات را غالباً نشانگرهای کلامی و تغییر ضمائر همراهی می‌کنند. از نظر وی «نشانگر تغییر عمده موضوع»، ترکیبات دستوری هستند که به منزله نشانگرهای بخش، آغاز هر قطعه را نشان می‌دهند. او سپس با مطالعه پیام‌های قطعات سوره، بدون الزام به اینکه تنها یک محور موضوعی برای سوره مشخص کند، پیام‌های کلی سوره را استخراج می‌کند (EL-AWA، ۲۰۱۷).

۲-۲. روش‌های بخش‌بندی پژوهشگران و مفسران

رویکرد عموم مفسران معتقد به انسجام سور، تحلیلی - ترکیبی است؛ یعنی ابتدا سوره را به چندین سیاق (فصل) تقسیم می‌کنند، آن گاه تلاش می‌کنند مناسبت میان سیاق‌ها را بیابند. البته اکثر مفسران و قرآن پژوهان در پژوهش‌های خود (بجز تعدادی معدود) روشی نظام‌مند و مبتنی بر نظریه‌ای مشخص ارائه نمی‌دهند و رویکردی ناقص به مسأله دارد و معیارهای ارائه شده توسط ایشان بی‌آنکه به خوبی تبیین شوند، غالباً بیش از اندازه ذهنی و انتزاعی هستند. همین مسأله، بخش‌بندی و تقسیم سوره را به محلی برای منازعه و بحث میان ایشان تبدیل کرده و نتایجی متفاوت به بار آورده است. این مسأله، به ویژه آنگاه که محقق به صورت عملی در صدد اثبات انسجام متن قرآن برمی‌آید، نمود بارزتری می‌یابد (مکوند، محمود؛ شاکر، محمدکاظم، ۱۴) و باب اختلافات گشوده می‌شود.

در تمامی مقالات ناظر بر تفسیر ساختاری، سیاق‌ها براساس شواهد معنایی تعیین شده و هیچکدام معیار قابل ملاحظه‌ای برای تقسیم‌بندی ارائه نمی‌دهند. پژوهشگرانی نیز که از شواهد لفظی کمک گرفته‌اند، قواعدی بیان نکرده‌اند و یا قواعد ارائه شده توسط آنها موارد نقض زیادی دارد. از طرفی برخی ابتدا سیاق‌ها و پاره‌گفت‌ها را تعیین نموده و سپس مجدداً برای تفسیر، آنها را به بخش‌های کوچکتر تقسیم نموده‌اند (از کل به جزء عمل

کرده‌اند)، و از طرف دیگر، بخش‌های داخل سیاق مورد نظر آنها در موارد زیادی، با استفاده از روش پژوهش حاضر، قابل تقسیم به بخش‌های کوچکتر می‌باشند.

۳. تعاریف، مبانی، روش و قواعد پیشنهادی پژوهش حاضر:

این پژوهش، با توجه به انسجام ساختاری سوره‌های قرآن کریم - با عنایت به روش کتب تفسیری معتبر در تقسیم‌بندی سوره به مجموعه آیات مختلف تحت عنوان سیاق و ...، و تعیین موضوع محوری سوره با توجه به معانی محوری این سیاقها - روش جدیدی جهت تقسیم‌بندی و تعیین اجزاء ساختاری سوره - که هریک بیانگر موضوع و مضمونی متفاوت در یک سوره هستند - ارائه نموده است. ابتدا سوره را در اکثر موارد بدون توجه به محتوای آیات و صرفاً بر اساس نشانه‌های لفظی، به بخشهای موضوعی کوچک تقسیم می‌نماید و در ادامه با استفاده از این بخش‌ها و با توجه به شواهد معنایی، سوره را فصل‌بندی (سیاق‌بندی) نموده و موضوع محوری سوره استخراج می‌نماید. در پایان، این روش به صورت عملی در خصوص سوره حجرات پیاده خواهد شد.

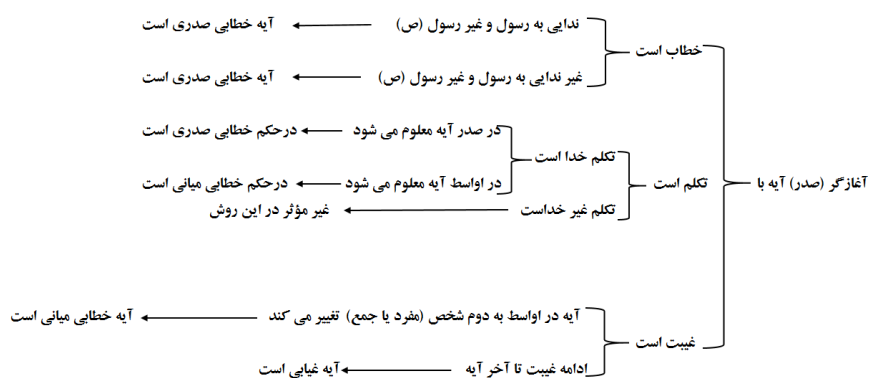
۳-۱. تعاریف پایه

شواهد لفظی مورد نظر این پژوهش عبارتند از: قَسَم، لفظ «اذ»، خطابات خداوند نسبت به پیامبر اکرم ﷺ و یا غیر ایشان، یا تکلم (وحده یا مع‌الغیر) خداوند است، یعنی گوینده سخن به عنوان خطابگر و متکلم، خداست.

وجه غالب شواهد لفظی، خطابات قرآن می‌باشد. علیرغم اینکه بخش نسبتاً زیادی از قرآن را قصص تشکیل می‌دهند و گرایش غالب در متون روایی سوم شخص است، بسامد خطاب در قرآن در حدی است که قرآن را از صورت یک متن روایی خارج کرده و به صورت یک متن خطایی درآورده است (طیب، ۵۰). منظور از خطاب در این پژوهش، خطاب (وحی) به مخاطب کلی قرآن (یعنی حضرت ختمی مرتبت ﷺ) نیست، بلکه منظور

این است که، روی سخن خداوند متعال در هر آیه با کیست و چه کسی مورد خطاب قرار گرفته است؟ به عبارتی دیگر، سخن گفتن به شکل مواجهه و روبرو را خطاب می‌نامیم. خطاب مورد نظر، شامل مواردی همچون خطاب به رسول اکرم ﷺ، سایر انبیاء و رسل، انسانها (مؤمن، کافر، ناس و ...)، و همچنین سایر موجودات توسط خداوند متعال است و شامل خطاب غیرخدا به دیگران (خدا و غیر خدا) نمی‌شود (تیموری، ساختار تصویری سوره‌های قرآن کریم، ۷۸).

به‌طور کلی اگر:



۱. خطاب‌های قرآن از لحاظ ساختار و نوع جمله، بیشتر در قالب انشاء طلبی، بویژه افعال امر، نهی، شرط، تعجب، استفهام، ندا، تمنی، ترجی و همچنین خبر، بیان شده است، و منظور از مخاطب در این نوشتار، مخاطب حضوری است.
۲. در آیه‌ای که خداوند به صورت حضوری، رسول اکرم ﷺ یا غیر ایشان را مورد خطاب قرار داده است:

الف - اگر مخاطب (متکلم بودن خدا) در صدر آیه، قابل تشخیص باشد، یا خداوند در صدر آیه، متکلم باشد، آیه را خطابی صدی (یا به اختصار خطابی) می‌نامیم. به عنوان مثال:

«وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنِ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقْبَلُ مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» (المائدة، ۲۷)

«إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا» (الفتح، ۱)

ب- اگر مخاطب (متکلم بودن خدا) در کلمات بعدی قابل تشخیص باشد، آیه را خطابي میانی می‌نامیم. به عنوان مثال:

«إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْرَأُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (المائدة، ۳۴)
«وَلَقَدْ اسْتَهْزَى بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمْلَيْتُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ»
(الرعد، ۳۲)

ج- اگر آیه‌ای فاقد مخاطب حضوری باشد، آیه غیابی (غیرخطابی) نامیده می‌شود. به عنوان مثال: «اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ» (الرعد، ۸)

۳. سوره به «دسته آیات» مختلفی از جمله فصل (سیاق یا رکوع)، بخش، زیربخش و بند قابل تقسیم است؛ و هریک از این قسمت‌ها شامل یک یا چند آیه هستند.

۴. هر دسته از آیات متوالی خطابی صدری، خطابي میانی یا غیابی (غیرخطابی)، «بند» نامیده می‌شوند.

۵. هر بخش، موضوعی خاص را بیان می‌کند و موضوع آن در راستای تأمین موضوع اصلی سوره است.

۶. هر بخش می‌تواند دارای یک یا چند زیربخش باشد، که محتوی موضوعات متنوع و کوچکتر در راستای تبیین موضوع بخش جاری است.

۷. بسته به اهمیت موضوع و حتی برخی مسائل بلاغی، هر یک از بندهای هر بخش، ممکن است حذف شوند؛ در برخی موارد، بخش یا زیربخش فقط شامل یک «بند» است.^۱

۸. بخش (پاراگراف)، به لحاظ ساختاری، ساختمان نسبتاً ساده‌ای دارد و از سه قسمت اصلی تشکیل شده است:

۱. تنها دو سوره از سوره‌های قرآن کریم از یک بند تشکیل می‌شوند، سوره بینه شامل ۸ آیه غیابی و سوره مسد با ۵ آیه غیابی.

(۱) جمله موضوع (مقدمه)

(۲) جملات پشتیبان

(۳) جمله پایانی (نتیجه‌گیری)

آیات قرآن نیز اکثراً دارای چنین روندی هستند: آیات خطابِ صدری، قسمت اول پاراگراف هستند و «بند خطابي» را تشکیل داده و وظیفه طرح موضوع را به عهده دارند (رتبه یک)، آیات خطابي میانی، قسمت دوم و «بند میانی» را تشکیل می‌دهند و وظیفه بیان مثال، توضیح، تشریح یا تخصیص موضوع را به عهده دارند (رتبه دو) و آیات غیرخطابی، قسمت سوم و «بند غیابی» را تشکیل می‌دهند و وظیفه تکمیل نمودن توضیحات موضوع و نتیجه‌گیری را به عهده دارند (رتبه سه).

۹. آیه اول بخش می‌تواند عبارت باشد از: الف - آیه‌ای که در صدر آنها حضرت رسول اکرم ﷺ یا غیر ایشان با انشاء طلبی (ندا، افعال امر، نهی، استفهام) یا خبری، مورد خطاب واقع می‌شوند ب - آیه قسم خداوند ج - آیه‌ای که خداوند در آن متکلم است (الفتح، آیه ۱) د - آیه اول هر سوره ه - آیه‌ای که با لفظ «واذ» شروع شده باشد.

۱۰. آیات ندایی همیشه آغازگر بخش هستند؛ مگر آیات ندایی متوالی با مخاطب یکسان، که در این صورت، آیه ندایی دوم، بیانگر موضوعی فرعی از موضوع اصلی و یا تخصیص موضوعی است که در آیه ندایی اول بیان شده است (الحجرات، ۲).
۱۱. در آیات خطابي میانی، مخاطب حضوری، بعد از فراز ابتدایی آیه که غیابی است، شناسایی می‌شود.

۱۲. بخشی که فاقد بند خطابي صدری باشد (با بند خطابي میانی آغاز شود)، زیربخش نامیده می‌شود (المائدة، ۳۸ و ۳۹) و (المائدة، ۱۰۸ و ۱۰۹).

۱۳. آیات مشتمل بر جمله معترضه، داستان (حکایت)، مَثَل (المدثر، ۳۱)، موضوع کلی،

۱. معمول‌ترین خطاب در قرآن کریم، خطاب به مؤمنان است که با تعبیر (یا ایها الذین آمنوا) شروع می‌شود. این تعبیر در قرآن کریم هشتاد و هفت مورد ذکر شده و منحصرأ در آیاتی است که در مدینه نازل شده است.

دعا و گفتگوی غیرخدا با غیرخدا (المدثر، آیات ۴۲ تا ۴۷) در روند تعیین بخش‌ها و ...، فاقد تأثیر هستند، یعنی بدون در نظر گرفتن آنها، روند تقسیم‌بندی‌ها اجرا می‌شود؛ البته در نهایت جزء بخش جاری محسوب می‌شوند و توضیح، تکمله، مثال، نتیجه‌گیری و ... برای بخش هستند و تشخیص آنها اغلب با توجه به محتوای آنها صورت می‌گیرد.

۱۴. لفظ «إِذْ» و «وَإِذْ» در صورتی که به معنای "فعل" (بیادآور، یاد کن) روند، در ابتدای آیات، یادآور مطلب و موضوعی خاص بوده و ابتدای بخش محسوب می‌شوند (الاحزاب، ۳۷) و اغلب بیانگر آغاز حکایت و داستانی هستند.

۱۵. استثناءات:

۱- آیاتی که فقط از حروف مقطعه تشکیل شده‌اند، در تقسیم‌بندی لحاظ نمی‌شوند^۱ و جزئی از بخش اول سوره محسوب می‌شوند (الدخان، ۱).

۲- در آیات اول سوره‌هایی که از حروف مقطعه به‌علاوه فرازی دیگر تشکیل شده‌اند، نوع آیه بدون در نظر گرفتن حروف مقطعه، تعیین می‌شود (القلم، ۱).

۳- آیه‌ای که به وضوح و از ظاهر آن مشخص است که ادامه آیه قبل است، از نظر خطابی یا غیرخطابی بودن، در حکم آیه قبل است (مائده ۳۴ در حکم ۳۳) (تیموری، محمد؛ درزی، قاسم؛ برهانی، مصطفی؛ پایان‌نامه نقش تصویربرداری در کشف ساختار سوره‌های قرآن).

۲-۳. روش انجام پژوهش

«سوره» را می‌توان با توجه به شواهد لفظی از جمله نوع خطاب آیات به دسته‌آیات (اجزائی) تقسیم کرد که هرکدام بیانگر موضوع خاصی هستند. محوری‌ترین این اجزاء، پاراگراف یا «بخش» است که دارای سه قسمت می‌باشد و این قسمت‌ها به ترتیب خطابی صدری، خطابی میانی و غیرخطابی بوده و هر قسمت محتوی یک آیه یا بیشتر است و هر قسمت را یک «بند» می‌نامیم. در بندهای اول و دوم بخش، مخاطب حضوری مشخصی

۱. اولاً بدلیل واقع شدن در ابتدای سوره، قطعاً آغازگر بخش هستند، ثانیاً شناخت مشخصی از آنها در دست نیست.

وجود دارد و قسمت سوم فاقد مخاطب حضوری است. در آیات اول هر بخش موضوعی مطرح می‌شود و در آیات بعد توضیحات و گاهی موضوعات ریزتر در راستای آن موضوع ارائه می‌گردد.

این روش برخلاف روشهای دیگر، غالباً بدون توجه به محتوای آیات و صرفاً با استفاده از نشانه‌های لفظی به تقسیم‌بندی موضوعات و مضامین سوره می‌پردازد؛ هر خطاب آغازگر بخش و موضوعی خاص است و تا هنگامی که مخاطب تغییر ننموده، بخش ادامه دارد و موضوع تغییر اساسی نخواهد نمود و آیات غیرخطابی بعدی نیز، تا وقتی که خطاب جدیدی صورت نگرفته، تکمیل‌کننده همان موضوع است و تغییر خطاب و مخاطب جدید، نویدبخش شروع بخشی جدید و موضوعی متفاوت است (بدیهی است که در پی این بخش‌بندی، برای تشخیص بهتر روابط بخشها و بررسی احتمال تداخل معنایی بخشهای متوالی، از توجه به شواهد معنایی نیز نباید غافل شد).

۳-۳. قواعد پیشنهادی

با در نظر داشتن موارد فوق، و این نکته که وجه تمایز این پژوهش با سایر تفاسیر و پژوهش‌ها، در تقسیم‌بندی سوره به «بخش» می‌باشد (و نه سیاق و یا فصول)، قواعدی برای بخش‌بندی پیشنهاد می‌شود (نک: تیموری، ساختار تصویری سوره‌های قرآن).

قاعده ۱: هر دسته‌آیاتی که با آیه‌ای خطابی (حضوری) آغاز و تا آیه خطابی غیرمتوالی بعدی ادامه می‌یابد، «بخش» (پارگراف) نامیده می‌شود.

قاعده ۲: مخاطب آیه اول بخش، رسول اکرم ﷺ یا دیگران هستند و هر بخش، موضوع خاصی را بیان می‌کند و با تغییر مخاطب نیز، بخشی جدید و در نتیجه موضوعی جدید آغاز می‌شود. مگر اینکه تغییر مخاطب در دو خطاب صدری متوالی باشد، که در این صورت، بند دوم و تکمیل‌کننده بند اول بخش محسوب می‌شود.

قاعده ۳: آیات ندایی همیشه آغازگر بخش هستند؛ مگر آیات ندایی متوالی با مخاطب

یکسان، که در این صورت، بند دوم و تکمیل کننده بند اول بخش محسوب می شود.

قاعده ۴: هر «بخش» حداکثر دارای سه قسمت است که به ترتیب عبارتند از: خطابی صدری، خطابی میانی و غیابی (غیر خطابی)، و هر قسمت را «بند» می نامیم.

قاعده ۵: هر «بند» شامل یک یا چند آیه خطابی صدری، خطابی میانی یا غیابی مجاور است.

قاعده ۶: تغییر ترتیب بندها (تغییر رتبه) موجب آغاز بخشی جدید خواهد شد.

قاعده ۷: آیه خطابی صدری بعد از آیه ندایی، حتی با مخاطب یکسان، موجب تغییر موضوع و بخش می شود.

قاعده ۸: آیه ای که به وضوح و از ظاهر آن مشخص است که ادامه آیه قبل است، از نظر خطابی یا غیرخطابی بودن، در حکم آیه قبل و جزء بخش جاری محسوب می شود.

۳-۴. سوره های مورد پژوهش

با توجه به تعدد ساختار سوره های قرآن کریم، بدیهی است این روش در مورد تمامی سوره های قرآن کریم قابل تعمیم نیست لیکن برای این که بتوان توزیع مناسبی از سوره های قرآن را در این پژوهش مورد بررسی قرار داد، براساس ترتیب نزول، چند سوره از سوره های ابتدای رسالت (قلم و مدثر) و چند سوره از سوره های میانی (دخان، جاثیه، ملک و احزاب) و چند سوره از سوره هایی که در اواخر رسالت نازل شده اند (رعد، حجرات، فتح و مائده) مورد بررسی قرار گرفته است (رامیار، ۶۸۶) و نتایج حاصله در مورد سوره حجرات ارائه خواهد شد.

۳-۵. مراحل اجرایی تقسیم بندی موضوعی (پاراگراف بندی) سوره حجرات

مراحل اجرایی این روش در خصوص سوره حجرات، به صورت مشروح در جدول ۱ ارائه گردیده است. توضیح اینکه:

الف - محتوای ستونهای جدول مراحل بخش بندی سوره به شرح زیر است:

- ستون ۱: شماره آیات
- ستون ۲: متن آیات سوره
- ستون ۳: موضوع و پیام آیات
- ستون ۴: نوع خطاب از نظر صدری، میانی یا غیرخطابی بودن
- ستون ۵: نوع جمله از نظر نحوی
- ستون ۶: تعیین مخاطب (خاص یا عام)
- ستون ۷: تعیین «بند»ها براساس قواعد پژوهش حاضر
- ستون ۸: تعیین «بخش»ها با استفاده از روش این پژوهش
- ستونهای ۹ تا ۱۱: بخش‌بندی سایر پژوهشگران قرآنی و مفسران
- ستونهای ۱۲ و ۱۳: تعیین بخش‌ها با استفاده از روش این پژوهش و بیان موضوعات اصلی هر بخش
- ستونهای ۱۴ تا ۱۸: رکوعات و دفعات نزول و استخراج پیام هر فصل با استفاده از موضوع و محتوای بخش‌ها و جمع‌بندی پیامهای فصول و تعیین موضوع محوری سوره.
- ب- ضروری است در ابتدای امر، با در نظر گرفتن نکات زیر ستونهای ۲ تا ۶ تکمیل شوند:
۱. حتماً خداوند متعال گوینده آیه باشد؛ بعنوان خطاب‌گر یا متکلم (وحده یا مع‌الغیر).
 ۲. تعیین نوع هریک از آیات، از نظر خطابی (حضور) بودن، غیابی (غیرحضور) بودن، خطاب میانی (از غیابی به خطابی) بودن یا تکلم خدا و قسم.
 ۳. تعیین مخاطب اصلی تک‌تک آیات؛ مبنی بر اینکه مخاطب، رسول اکرم ﷺ هستند یا غیر ایشان.
 ۴. مشخص نمودن آیات خاص؛ آیات محتوی جملات معترضه، قوانین و ضوابط کلی، دعا، مثل، داستان (حکایت) و گفتگوی غیرخدا با غیرخدا، با استفاده از محتوای آیات و نشانه‌های معنوی.
- ج- لازم است در ادامه، محدوده بندها و بخش‌ها با توجه به قواعد پیشنهادی مشخص گردد.

د- ستونهای ۹ تا ۱۲ از کتب مرجع استخراج می‌گردد.

۳-۵-۱. تعیین بندهای سوره حجرات

با استفاده از تشابه نوع خطاب در آیات، آنها را دسته‌بندی می‌نماییم:
آیات ۱ و ۲، آیه ۳، آیات ۴ و ۵، آیات ۶ و ۷، آیه ۸، آیات ۹ و ۱۰، آیات ۱۱ و ۱۲، آیه ۱۳، آیه ۱۴، آیه ۱۵، آیه ۱۶، آیه ۱۷ و آیه ۱۸ هرکدام یک «بند» را تشکیل می‌دهند که در جدول بوضوح قابل مشاهده هستند.

۳-۵-۲. تعیین محدوده بخش‌های سوره حجرات

بخش ۱: آیه اول خطابی (ندایی) است و مخاطب آیه، مؤمنین هستند. آیه دوم نیز دقیقاً به همین منوال، خطابی (ندایی) است و مخاطب مؤمنین هستند. در این دو آیه به دلیل شباهت در ندایی بودن و یکسان بودن مخاطب، تغییری در بخش ایجاد نمی‌شود و بند اول بخش را تشکیل می‌دهند. آیه ۳ در واقع توضیح آیه قبل است و بند «یک آیه‌ای» می‌باشد. آیه ۴، خطابی میانی به رسول است لذا با تغییر از آیه غیابی به خطابی میانی و در نتیجه با تغییر ترتیب مواجهم، لذا بخش ۱ با سه آیه به پایان رسید.
بخش ۲: آیه ۴، خطابی میانی به رسول است لذا این بند آغازگر بخش جدید است. آیه ۶ خطابی صدری است و رتبه بهم می‌خورد و آغازگر بخش جدید است، لذا بخش ۲ پایان یافته است.

بخش ۳: آیات ۶ و ۷ تشکیل یک بند خطابی صدری را می‌دهند، لذا آغازگر بخش هستند و آیه ۸ غیابی و پایان دهنده بخش است.

بخش ۴: آیه نهم خطابی میانی به غیر رسول است، آیه ۱۰ نیز همین‌طور. و آیه ۱۱ خطابی است و رتبه به هم می‌خورد، پس بخش ۴ با دو آیه ۹ و ۱۰، کلاً با یک بند، خاتمه می‌یابد.

بخش ۵: آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ خطابی (ندایی) به غیر رسول است لیکن مخاطب آیات ۱۱ و ۱۲ مؤمنین هستند ولی مخاطب آیه ۱۳ گروه مردم (ناس) است، لذا آیات ۱۱ و ۱۲

بخش ۵ را تشکیل می‌دهند.

بخش ۶: آیه ۱۳ ندایی است و آیه ۱۴ خطابِ میانی به رسول است. پس رتبه به هم می‌خورد و بخش جدید ۷ آغاز می‌شود؛ لذا بخش ۶ از یک آیه تشکیل شده است.

بخش ۷: آیه ۱۴ خطابِ میانی به رسول است و آغازگر بخش جدید و آیه ۱۵ غیابی و پایان‌دهنده بخش است زیرا آیه ۱۶ خطابِ است و رتبه به هم می‌خورد.

بخش ۸: آیه ۱۶ خطابِ صدری و آغازگر بخش است و آیه ۱۷ خطابِ میانی و آیه ۱۸ غیابی و پایان‌دهنده بخش است.

۳-۵-۳. موضوعات اصلی بخش‌ها (و زیربخش‌ها)

بخش ۱ (آیات ۱ تا ۳): موضوع آیه اول، لزوم تبعیت محض از الله تعالی و رسولش و امر به تقوا است. موضوع آیه دوم نیز توضیح و بیان بخشی از موضوع اصلی بخش، و منع از بالاتر بردن صدا از صدای حضرت پیامبر ﷺ است. آیه بعدی غیر خطابی است و مضمون آن، نشانه تقوا بودن رعایت ادب در پیشگاه نبی اکرم ﷺ است. موضوع کل بخش لزوم تبعیت محض از الله تعالی و رسولش و امر به تقوا است.

بخش ۲ (آیات ۴ و ۵): موضوع این بخش در خصوص رفتار مؤمنین با رسول اکرم ﷺ است و لزوم رعایت ادب و متانت و صبوری در مواجهه و خطاب رسول الله ﷺ است.

بخش ۳ (آیات ۶ تا ۸): موضوع این بخش، حفظ حرمت رسول اکرم ﷺ توسط مؤمنین و لزوم تحقیق در خصوص خبر فاسق و ارزش ایمان و اکراه کفر و فسق و عصیان است.

[illegible]

بخش ۴ (آیات ۹ و ۱۰): موضوع این بخش با موضوع بخش قبل متفاوت و درباره اخوت مؤمنین و لزوم اصلاح بین آنها و بین دو طایفه از مسلمین در حال جنگ است.

بخش ۵ (آیات ۱۱ و ۱۲): موضوع این بخش، در خصوص پرهیز مؤمنین از تمسخر و نسبت دادن القاب بد به یکدیگر و پرهیز از سوء ظن و تجسس و غیبت همدیگر است.

بخش ۶ (آیه ۱۳): موضوع این بخش، آفرینش انسان از مردی و زنی است و تقوا تنها ملاک سنجش آنها در نزد الله تعالی است.

بخش ۷ (آیات ۱۴ و ۱۵): موضوع این بخش، بیان فرق ایمان و اسلام و وصف مؤمنین است.

بخش ۸ (آیات ۱۶ تا ۱۸): موضوع این بخش، علم گسترده الهی بر آسمانها و زمین و گفتار و کردار انسان‌ها است.

ملاحظه می‌شود که با وجود تقسیم‌بندی سوره بدون توجه به محتوای آیات، سوره به موضوعاتی مجزا تفکیک شده است.

۳-۵-۴. استخراج هدف و موضوع محوری سوره حجرات

فصول موضوعی و در نهایت تعیین موضوع محوری سوره را می‌توان با اجرای مراحل زیر استخراج نمود.

۱- تعیین فصل‌های سوره: بخش‌ها براساس موضوع و محتوایشان دسته‌بندی و فصل‌بندی می‌شوند:

فصل ۱ شامل بخش‌های ۱ تا ۶ است.

فصل ۲ شامل بخش‌های ۷ و ۸ است.

۲- استخراج پیام فصل‌ها: با استخراج و جمع‌بندی پیام بخش‌ها، پیام فصل‌ها بدست می‌آید:

فصل ۱: لزوم تبعیت از خدا و رسولش و رعایت ادب در پیشگاه ایشان و لزوم رفتار شایسته مؤمنین نسبت به هم و تقوا تنها ملاک سنجش.

فصل ۲: توصیف ایمان واقعی و علم گسترده الهی

۳- تعیین هدف و موضوع محوری سوره: با جمع‌بندی پیام فصل‌ها، هدف و موضوع

محوری سوره مشخص می‌گردد که عبارت است از:

« منظومه اخلاقی مؤمنین در ارتباط با الله تعالی، رسولش و سایر مؤمنین »

۳-۶. بررسی و بحث و مقایسه خروجی پژوهش حاضر با برخی آثار

جهت ارزیابی روش پیشنهادی، با توجه به شیوه‌های تقسیم سوره‌ها به بخشهای مختلف توسط مفسران و قرآن‌پژوهان، خروجی این نوشتار با آثار برخی از آنان مقایسه شده است که روش تقسیم‌بندی هریک از آنان در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲: شیوه‌های تقسیم سوره‌ها به بخشهای مختلف توسط مفسران و قرآن‌پژوهان

نام مفسر یا پژوهشگر	نام اثر	نام تقسیمات کلی سوره	شواهد مورد استفاده برای تقسیم بندی	نام تقسیمات جزئی تر سوره	شواهد مورد استفاده برای تقسیم بندی	معتقد به وجود محور موضوعی هر سوره	پیوندها و ارتباط معنایی را
علامه محمد حسین طباطبایی	المیزان فی تفسیر القرآن	سیاق	معنوی	-	فاقد اجزاء	تحت عنوان قرص می باشد	تیین می نماید
مرحوم سید قطب	فی ظلال القرآن	شروط	معنوی	در مواردی یک مرحله ای است و در مواردی بیش از	معنوی	تحت عنوان «ظل» یا «محور» می باشد	تیین می نماید
مرحوم سعید حوی	الاساس فی التفسیر	قسم، مقطع	لفظی؛ و در نبود آنها از علائم معنوی	لفظی: «یا ایها» و «قل» و در نبود آنها از علائم معنوی	می باشد	تیین می نماید	تیین می نماید
امین احسن اصلاحی	تفسیر تدبر قرآن	رکوعات و بخش	معنوی	فصل: جزئی تر از آن بخش	معنوی (تغییر عمده موضوعی)	می باشد	تیین می نماید
محمد خامنه گر	مجموعه کامل ساختار سوره های قرآن کریم	گفتار	معنوی	مطلب (وظیفه و ...)	معنوی	می باشد	تیین نمی نماید
نیل رابینسون	مقاله داستان بازه قرآنی دوباره از سوره مائده	بخش	دلایل لفظی و معنوی؛ مانند تکرار و ...	توجهی ندارد	فاقد اجزاء	مطلبی بیان ننموده	تیین می نماید
محمد سلوی العوی	کتاب روابط متنی در قرآن؛ مناسبت، انسجام و ساختار، و نقش شواهد لفظی در بخش بندی موضوعی سوره	پاره گفت	لفظی و معنوی: «یا ایها»	زیربخش	لفظی و معنوی: یاد وای نقد، و اذنا	هر سوره تنها یک محور موضوعی ندارد	تیین می نماید
پژوهش حاضر		فصل (مقاله)	معنوی	بخش (پاراگراف)	لفظی	می باشد	تیین می نماید

در این جدول ملاحظه می‌شود که مفسران و پژوهشگران، در تفاسیر و پژوهش‌های مورد بحث، از شواهد معنوی و تغییرات موضوعی و برخی از آنان از شواهد لفظی برای تقسیم‌بندی آیات استفاده می‌کنند.

سعید حوی در تقسیم‌بندی سوره‌ها از معیارهای معنوی و لفظی هر دو بهره جسته است؛ البته متذکر شده است که در مواردی که نشانه‌های لفظی در اختیار نیست، از علائم معنوی سود جسته است. تقسیم‌بندی وی دو مرحله‌ای است و علاوه بر تقسیم‌بندی کلی، به مرحله تقسیمات خردتر تحت عنوان قسم، مقطع، فقره و مجموعه نیز وارد می‌شود.

مثلا در تقسیم‌بندی سوره احزاب، آیات سوره را به ده مقطع تقسیم کرده و ملاکش عبارت «یا ایها» در آغاز هر مقطع بوده است و مقطع دوم سوره «ص» به سه مجموعه بر مبنای تکرار لفظ «قل» در ابتدای آیات تقسیم کرده است. وی نیز دسته‌بندی خاصی برای نشانگرهای لفظی و معنوی ارائه نمی‌دهد (حوی، ۱۴۲۴ ق).

تفاوت پژوهش حاضر با روش اصلاحی این است که پژوهش حاضر روشمند است در

حالیکه روش وی بر برداشتهای مفسر متکی است. کار اصلاحی با دقت بالایی صورت گرفته است و تقسیم‌بندی او به تقسیم‌بندی این پژوهش نزدیکتر است و با روش این پژوهش، بخش‌های مورد نظر وی، به بخش‌های کوچکتری نیز تقسیم شده است، لیکن ابتدا و انتهای اکثر بخش‌ها مشابه است.

رایینسون در خصوص بخش‌بندی عنوان می‌دارد، بیشتر دلایل لفظی که بخش‌بندی بر آنها مبتنی است با عنصر تکرار درگیر است. این تکرار معمولاً به یکی از شش صورت زیر است:

- (۱) شروع اولین و آخرین آیه یک بخش ممکن است شبیه هم باشند.
- (۲) عبارت غیر معمولی که در آیه دوم یک بخش رخ می‌دهد.
- (۳) ممکن است بخش به وسیله بازگشت عبارت مشابه یا یکسان در دو آیه به آخر مانده یا ... به پایان برسد.

(۴) یک کلمه یا عبارت کلیدی ممکن است بارها و بارها در بخش تکرار شود.

(۵) ممکن است در اوج معادشناسی خاتمه یابد.

(۶) ممکن است در جمع بندی به یک عبارت اعتقادی کلیشه‌ای منتهی گردد.

منظور رایینسون از بخش، همان فصل یا سیاق است و از نشانه‌های لفظی بیشتر برای بیان روابط میان بخشهای مورد نظر خود استفاده کرده است و نه در بخش‌بندی موضوعی (رایینسون، نیل؛ ترجمه شاکر، محمدکاظم، ۱۵۹).

سلوی العوی روشمند عمل نموده و علاوه بر شواهد لفظی از شواهد معنوی نیز استفاده کرده است. پژوهش العوی در مواردی با این پژوهش قرابت و شباهت دارد.

العوی در سوره احزاب، وجود «یاایها» را نشانگر آغاز پاره‌گفت دانسته است لیکن با وجودیکه در آیات ۶۹ و ۷۰ نیز این مطلع وجود دارد آنها را آغازگر پاره‌گفت نمی‌داند بلکه آغازگر زیربخش نامیده و هردو را در یک زیربخش قرار داده است. از طرفی آیه ۴۹ همین سوره را به تنهایی یک پاره‌گفت می‌داند. وی در سوره‌های فاقد «یاایها» ملاک و معیاری برای تعیین پاره‌گفت‌ها ارائه نکرده است.

معیار تقسیم پاره‌گفت به زیربخش نیز از نظر وی عام است و نشانگرها و شاخص‌های مطرح شده در مواردی تداخل دارند. به عنوان مثال، «و اذ» در آیات ۷ و ۱۲ و ۳۷ آغازگر زیربخش است در حالی که از نظر او در آیه ۱۰ آغازگر بخش جدیدی نیست. البته در این پژوهش نیز «و اذ» و «اذ» یادآور حکایت، داستان، خاطره یا رویداد خاصی تلقی شده‌اند و طبیعتاً در آنها موضوع جدیدی مطرح می‌شود، هرچند ممکن است ذیل موضوع قبلی نقل شده باشد؛ لیکن در پژوهش العوی، در بسیاری از موارد مشابه، از این الفاظ یا لفظ‌های دیگر به عنوان شاخص آغاز داستان و ... استفاده نشده است. در پژوهش العوی، حرف «و» در آیه ۲۵ سوره احزاب شاخص جزئی برای آغاز زیربخش تلقی شده لیکن در آیات بسیاری، آنرا آغازگر زیربخش نمی‌داند؛ در واقع در تمام موارد نیز آغازگر بخش نیست (العوی، سلوی محمد؛ ترجمه جلیلی، سید اکبر، ۱۳۹۵ ش). تقسیم‌بندی در این پژوهش برخلاف روش العوی، جز در مواردی خاص، به حروف و کلمات و حتی موضوعات خاص وابسته نیست، بلکه قاعده‌عام و فراگیری است که بدون توجه به موضوع مطروحه در آیه، جایگاه آیه را در بخش، تعیین می‌کند و توسط آن مشخص می‌گردد که این آیه، آغازگر بخش جدیدی است یا ادامه بخش جاری؟ «زیربخش» مورد نظر العوی معادل «بخش» این پژوهش است و «پاره‌گفت» معادل «فصل».

در جدول ۱، تقسیم‌بندی‌های هریک از مفسران و پژوهشگران فوق‌الذکر (در حد امکان دسترسی) ارائه شده و ملاحظه می‌شود که تقسیم‌بندی این پژوهش، در تعیین بخش‌ها از بین تفاسیر شباهت نزدیکی به تقسیم‌بندی اصلاحی در تفسیر تدبر قرآن دارد.

۴. نتایج مقاله

۱. سوره‌های قرآن از موضوعات و مضامین متنوعی تشکیل شده‌اند که بر خلاف ظاهر پراکنده موضوعات، بی‌ربط نیستند بلکه به عنوان اجزاء ساختاری، برای تأمین هدف و موضوع محوری سوره، ضروری و متناسب می‌باشند.

۲. برخلاف نظر برخی قرآن‌پژوهان، تنوع موضوعات و مضامین، تغییرات ضمائر، تعویض گوینده و تغییر مخاطب نه تنها از معایب قرآن به شمار نمی‌رود، بلکه یکی از عوامل مؤثر در ایجاد ساختار سوره می‌باشد.

۳. در این پژوهش با استفاده از این تغییرات فوق، روش جدیدی جهت بخش‌بندی و تعیین اجزاء ساختاری سوره ارائه شد که هریک بیانگر موضوع و مضمونی متفاوت هستند.

۴. برخلاف روشهای مفسران و قرآن‌پژوهانی که غالباً با استفاده از شواهد معنوی، سوره را به اجزاء و بخش‌هایی تقسیم کرده‌اند، پژوهش حاضر با استفاده از شواهد و نشانه‌های لفظی به تقسیم‌بندی موضوعات و مضامین سوره‌ها پرداخت. در این راستا با مطالعه سوره حجرات و چند سوره دیگر، برخی شواهد و نشانه‌های لفظی شامل قَسَم، خطابات خداوند به پیامبر اکرم ﷺ و سایرین و تکلم خداوند و غیره احصاء و قواعدی استخراج و با استفاده از آنها سوره حجرات بخش‌بندی شد.

۵. در ادامه با استفاده از محتوای بخشهای قریب‌المضمون، سوره فصل‌بندی شد و در نهایت با استفاده از محتوای فصول، موضوع محوری سوره استخراج گردید.

۶. نتایج حاصل از روش‌های مفسران و پژوهشگران با یکدیگر متفاوت بوده و نتایج این پژوهش نیز در مواردی به برخی نزدیک و در مواردی متفاوت است. با توجه به موضوعات مطرح شده در هر بخش، می‌توان صحت تقسیم‌بندی‌ها را ارزیابی و در مورد آنها قضاوت نمود.

۷. در مقایسه با سایر تلاشهای صورت گرفته برای تقسیم‌بندی سوره‌ها به اجزاء ساختاری، این پژوهش دارای مزایایی چون: دسته‌بندی شواهد لفظی تعیین‌کننده بخش‌ها، عمومیت و شمول قواعد پیشنهادی در بسیاری از سور قرآن کریم، و دارا بودن قابلیت برنامه نویسی رایانه‌ای می‌باشد.

کتابشناسی

۱. قرآن کریم، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۲. آرام، محمدرضا و فاطمه لایقی، بررسی ساختار سوره مائده با رویکرد ساختار درختی، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۱۹، ۱۳۹۵ش.
۳. آقایی، سید علی، انسجام قرآن، رهیافت «فراهی - اصلاحی» در تفسیر، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۴۶، ۱۳۸۶ش.
۴. همو، رهیافت وحدت موضوعی سوره‌های قرآن در الأساس فی التفسیر، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۵۶، ۱۳۸۷ش.
۵. اصلاحی، امین احسن، تدبیر قرآن، پاکستان، لاهور، فاران، ۲۰۰۹م.
۶. العوی، سلوی محمد، ترجمه سید اکبر جلیلی، روابط متنی در قرآن، ربط، پیوستگی و ساختار، تهران، نویسه پارس، ۱۳۹۵ش.
۷. ایازی، سید محمدعلی، چهره پیوسته قرآن، صحیفه مبین (هستی نما)، شماره ۶ و ۷، ۱۳۷۵ش.
۸. بهرامی، محمد، پیوند آیات سوره‌های قرآن در تفسیر فی ظلال قرآن، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۵۹، ۱۳۸۸ش.
۹. توکلی محمدی، نرجس، و اعظم پویازاده، واکاوی کارکرد تحلیل گفتمان در اثبات پیوستگی متن قرآن کریم، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، شماره ۴، ۱۳۹۶ش.
۱۰. تیموری، محمد، ساختار تصویری سوره‌های قرآن کریم، تهران، سنجش و آموزش، ۱۳۹۹ش.
۱۱. همو و قاسم درزی و مصطفی برهانی، پایان نامه «تبیین نقش تصویرپردازی در کشف ساختار سوره‌های قرآن»، تهران، ۱۳۹۸ش.
۱۲. حجتی، سیدمحمدباقر، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۰ش.
۱۳. حرّی، ابوالفضل، درباره کتاب روابط متنی در قرآن - مناسبت، انسجام و ساختار، کتاب ماه دین، شماره ۱۷۱، دی ۱۳۹۰ش.
۱۴. حوی، سعید، الأساس فی التفسیر، قاهره، دارالسلام، ۱۴۲۴ق.
۱۵. خامه‌گر، محمد، ساختار هندسی سوره‌های قرآن کریم، نشریه نسیم وحی، شماره ۲۵، دی ۱۳۸۹ش.
۱۶. همو، مجموعه کامل ساختار سوره‌های قرآن کریم، قم، آیه نور، ۱۳۹۵ش.
۱۷. همو، نظریه هدفمندی سوره‌ها، مبانی و پیشینه، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۵۱، ۱۳۸۶ش.
۱۸. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت دهخدا، تهران، مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۹. دهقانی فارسانی، یونس، ساختار سوره انشقاق، مجله بلاغ نوین، شماره ۱۴، ۱۳۸۷ش.
۲۰. دیالمه، نیکو، خردورزی در هندسه معرفتی تفسیر سوره حجرات، مطالعات تفسیری، شماره ۱۳، بهار ۱۳۹۲ش.
۲۱. ذوقی، امیر، نگره ای جدید در باره انسجام متنی سوره‌های قرآن، مطالعات قرآن و حدیث، شماره ۹۴، ۱۳۹۲ش.
۲۲. رابینسون، نیل، ترجمه محمدکاظم شاکر، دستان باز قرائتی دوباره از سوره مائده، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۶۹، ۱۳۹۱ش.
۲۳. رامیار، محمود، تاریخ قرآن، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۳ش.
۲۴. زارع زردینی، احمد، بررسی نظم در سوره‌های قرآن، کوششی در جهت کشف نظم در سوره یاسین، پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، شماره ۱، پاییز ۱۳۹۵ش.

۲۵. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه سیدمهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۹۵ش.
۲۶. شیرازی، معصومه، و نصرت نیل ساز و محمدعلی لسانی فشارکی، رویکردهای خاورشناسان به مسئله انسجام قرآن سیر تحول تاریخی، ویژگی‌ها، زمینه‌ها، فصلنامه تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۴۱، بهار ۱۳۹۸ش.
۲۷. صانع‌پور، محمد حسن، پیوستگی متن قرآن کریم، تهران، دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۵ش.
۲۸. طباطبایی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، به ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۴ش.
۲۹. طیب، سید محمد تقی، تحلیل کلام خدا، مجموعه مقالات دانشگاه علامه طباطبایی، شماره ۹۷، ۱۳۷۹ش.
۳۰. غروی، سعیده، تفسیر ساختاری سوره «یس» با تأکید بر تفسیر المیزان، مطالعات تفسیری، سال ششم، شماره ۲۱، بهار ۱۳۹۴ش.
۳۱. قاضی‌زاده، کاظم، و علیرضا محمدپور گرجی، وجوه تناسب در واحد منسجم سوره، دو فصلنامه تخصصی علوم قرآن و حدیث حسنا، شماره ۲۹ و ۳۰، ۱۳۹۵ش.
۳۲. قطب، سید، و دکتر مصطفی خرم دل، ترجمه فی ظلال القرآن، تهران، نشر احسان، ۱۳۹۳ش.
۳۳. لسانی فشارکی، محمدعلی، و حسین مرادی زنجانی، سوره شناسی، قم، نصاب، ۱۳۹۵ش.
۳۴. همو، علوم قرآنی، قم، یاران، ۱۳۹۵ش.
۳۵. مکوند، محمود، و محمدکاظم شاکر، بازخوانی انسجام متن قرآن در پرتو نظریه نظم متقارن، فصلنامه پژوهشهای قرآنی، شماره ۷۶، پاییز ۱۳۹۴ش.
۳۶. مؤدب، سید رضا، و محسن قربانیان، کارکردهای «پیوستگی سوره» در تفسیر با تطبیق بر تفاسیر المیزان علامه طباطبایی و فی ظلال القرآن سیدقطب، پژوهشنامه قرآن و حدیث، شماره ۲۱، ۱۳۹۶ش.
۳۷. ناظمیان، هومن، پیوند فرم و ساختار با محتوا در سوره مبارکه تکویر، فصلنامه انجمن علمی ایرانی زبان و ادبیات عربی، شماره ۲۷، ۱۳۹۲ش.
۳۸. نساج، مریم، و عباس اسماعیلی زاده، بررسی ساختار سوره انسان و دسته بندی آیات آن، فصلنامه کتاب قیم، شماره ۳، ۱۳۹۰ش.

39. EL-AWA, SALWA MOHAMED SELIM, Textual Relations in the Q ur'an, UK, ProQuest LLC, 2017.

